

۱۴۳۸۴۳۲

۹۵,۹,۲۱

نیما یوشیج

مجموعه اشعار

گردآوری، نسخه برداری و تدوین :

سیروس طاهباز



مؤسسه انتشارات نگاه

تاسیس ۱۳۵۲ء

mikhanavar

سرشناسان: بابوشیخ، ۱۳۶۸-۱۳۷۲.
عنوان: مجموعه اشعار و تصاویر شیخ /
گردآوری، نسخه برداری و تصویر: میروس طاهیان.
مشخصات نشر: تهران، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۵، ۹۰۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۰۳۶۶-۷
مهر مستور، بی‌بر اساس اطلاعات فیبا
چاپ: چهاردهم (اول پالتویی)
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۲
persian poetry-20th century

الف: طاهیان، میروس، ۱۳۷۷-۱۳۸۸، گردآورنده
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۶۲۱/۱۱۶ A۱۶۸۷۱PIR
رده بندی دیوثی: ۸۱۶ ۱/۶۲
شماره ی کتابشناسی ملی: ۳۳۹۸۳۳۱



7778771

۱۳۸۵

نیما یوشیج

مجموعه اشعار

مؤسسه انتشارات نگاه

حروف چینی و صفحه آرایی : نگاه

گردآوری، نسخه برداری و تدوین: سیروس طاهباز

چاپ چهاردهم (اول پالتویی): ۱۳۹۵

لیتوگرافی: طیف نگار، چاپ: رامین، شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۶-۱۶۵-۰

حق چاپ محفوظ است



مؤسسه انتشارات نگاه

تاسیس ۱۳۵۲

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ شهدای زاندارمیری، بین خ فجر

رازی و خ دانشگاه، پ ۶۳ طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، ۸-۶۶۲۸۰۳۷۷، ۶۶۶۶۶۹۲

negahpub.com

negahpublishers@yahoo.com

[instagram.com/negahpub](https://www.instagram.com/negahpub)

[telegram.me/newnegahpub](https://www.telegram.me/newnegahpub)



یادداشت زنده یاد دکتر محمد معین

هفتاد سال پیش کودکی در یوش مازندران دیده به جهان گشود که مقدر بود بعد هفتاد سال نیماور = (نام آور) گردد. نیما در طی زندگانی ادبی خود در داستان نویسی، نمایشنامه نویسی، نگارش مباحث ادبی به آزمایش پرداخته است. ولی آنچه که او را نامبردار ساخته جنبه شاعری اوست. در شعر نیز وی مراحل مختلف را طی کرده: سرودن اشعاری که شکل و قالب و مضمون آنها به سبک قدماست؛ سرودن اشعاری که شکل و قالب آنها به سبک پیشینیان است ولی مضمون آنها نو و بکر می باشد و سرودن اشعار به سبک نو. از این سه نوع، آنچه که شخصیت نیما را نشان می دهد دسته اخیر است. پس از درگذشت نیما بنا به وصیت وی نگار تدوین و چاپ آثار فراوان و گرانقدرش با یاری همسر و فرزند و چند تن از یاران صمیم آن مرحوم با مراقبت نگارنده آغاز شد و نخستین شماره به عنوان «افسانه و رباعیات» از طرف سازمان چاپ کیهان طبع و منتشر گردید. و اینک دومین شماره به عنوان «ماخ اول» به همت و علاقه بی شائبه آقای سیروس طاهباز و همراهی آقای شراگیم، فرزند برومند نیما، از طرف «انتشارات شمس» منتشر می گردد. امید است که هرچه زودتر در انتشار آثار دیگر نیما توفیق یابیم.

پهمن ماه ۱۳۴۴

محمد معین

یادداشت زنده یاد جلال آل احمد

... یک سال پس از مرگش، ۱۳۳۹، «افسانه و رباعیات» در یک جلد درآمد. در نشریات کیهان، به نظارت استاد محمد معین و داریوش و جنتی و آن «یکی دیگر»، «افسانه» را حتی آماده کرده بود (و این سرزمین یار بود که چاپ می‌شد) و رباعیات را ما دو تن دیگر. و دکتر معین لفظ سرپرستی می‌کرد. و بعد هر کدام ما به علتی سرخوردیم. یکی به علت ولنگاری این دوست در فلان رنگین‌نامه و دیگری به علت متضاحی که داشت و سؤمی به وحشتی که از «فانسیان بازی» می‌کرد. «دکتر معین هم که همان کار «لفت‌نامه» کافی بود که از پا بیندازدش.

ناچار عالیه خانم به دست و پا افتاد و چه شوری می‌زد تا یک روز جمع شدیم با «آزاد» و ساعدی و طاهباز که تعهد کنیم نشر الباقی آثار پیرمرد را و حال آن که هر کدام یک سر و هزار سودا تا عاقبت طاهباز داوطلب شد. و قرارمان بر این که عالیه خانم همه کارها را بسپارد به طاهباز تا به کمک خودش و شراکیم نظمی بدینند و دفترها و آن «یکی دیگر» هم دست طاهباز را بگذارد در دست دکتر معین. که اگر ما همت نداشتیم این دارد. و این کارها را کردیم. و طاهباز راه افتاد.

اول یک کتاب جیبی درآورد «برگزیده اشعار نیمایوشیج» دی ماه ۱۳۴۱ - با تصویری که هانیبال الخاس از صورت پیرمرد کشیده بود بر روی جلد. بعد

«ماخ‌اولا» را درآورد. اسفند ۱۳۲۲. در انتشارات شمس تبریز. با طرح جلدی که بهمن محمّد کاشانی بود. و تا اینجا هم عالیّه خانم حضور داشت و هم دکتر معین. سپس عالیّه خانم نیز به دنبال پیرمرد رفت و دنیای ما را حتی به آن اندازه نتوانست تحمل کند که مجموع آثار پیرمرد درآید. و از این پس کارها ماند به عهده طاهباز تنها که «شعرمن» را در «انتشارات جوانه». پاییز ۱۳۲۵ منتشر کرد با تصویر ماسکی که خیابان پور نقاش از صورت پیرمرد در زمان حیاتش برداشته بود. و کار طاهباز می‌دانم که هنوز ادامه دارد.

۲۰ بهمن ۱۳۲۶

جلال آل‌احمد

ای نام تو بهترین سر آغاز
بر نام تو نامه کی کم باز
نظامنامه

یادداشت‌گرد آورنده

این کتاب مجموعه‌ی کامل اشعار فارسی نیمایوشیج است. که به یاری خداوند بزرگ در طول سالیان متعددی به گردآوری، استخراج، تدوین و آماده کردنشان برای چاپ توفیق یافتیم. شعرهای فارسی به پیشنهاد روانشاد عالیله خانم جهانگیر (یوشیج) و زنده‌یاد جلال آل احمد و موافقت استاد بزرگ محمدمعین، وصی نیما، و لطف آقای شراگیم یوشیج به تدریج از سال ۱۳۲۰ به بعد تفکیک، نسخه‌برداری و تدوین کردم و بخش از آنها را در طول این سالیان در مجموعه‌های جداگانه به این شرح منتشر کردم:

ماخ‌اولا (۲۹ شعر، انتشارات دنیا، چاپ اول ۱۳۲۲)، شعر من (۲۱ شعر، انتشارات جوانه، ۱۳۲۵)، ناقوس (۱۲ شعر، انتشارات مروارید، ۱۳۲۵)، شهر شب و شهر صبح (۱۱ شعر، انتشارات مروارید، ۱۳۲۶)، قلم‌انداز (۲۱ شعر، انتشارات دنیا، ۱۳۲۹)، فریادهای دیگر تو عنکبوت رنگ (۱۴ شعر، انتشارات جوانه، ۱۳۵۰)، آب در خواجه مورچگان (۵۴۰ رباعی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۱)، مانلی و خانمی سرپولی (دو منظومه، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲)، حکایت و خاطراتی سرپولیان (انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۳)، و افسانه‌ها (نقاشی‌های بهمن دادخواه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۷). در سال ۱۳۶۴ به نشر مجموعه‌ی نسبتاً کاملی از شعرهای فارسی نیمایوشیج توفیق یافتیم که با نام «مجموعه‌ی آثار نیمایوشیج، دفتر اول، شعر»

در ۷۲۲ صفحه توسط «نشر ناشر» به چاپ رسید. با آن که خوشحال بودم پس از گذشت ۲۴ سال از آغاز کار، سرانجام شعرهای کسی که شعر امروز ایران با نام او آغاز می‌شود پس از گذشت ۲۶ سال از خاموشی او، یکجا، توسط من به چاپ می‌رسد اما عمیقاً متأسف بودم که به دلیل شتاب ناشر، غلط‌های چاپی بسیاری در آن راه یافته بود و افتادگی‌هایی داشت که درک درست شعر را برای جوانان و ناآشنایان به شعر نیما ناممکن می‌ساخت، حتی نیمی از شعر «قوه» در ص ۱۳۰ و نیم دیگر آن در ص ۱۲۶ به چاپ رسیده بود و پایانش در ص ۱۳۱ اما چاپ «مجموعه‌ی آثار نیما یوشیج، دفتر اول، شعر» با همه کاستی‌ها و غلط‌هایش، علاوه بر استقبال شعر دوستان، مقبول اهل نظر هم افتاد. نخست از هرو و صدیق طریقت نیمایی شادروان مهدی اخوان ثالث (ام. اسد) یاد می‌کنم که در این مورد، این بنده را مشمول عنایات خاصی خویش کردند. تذکری هم فرمود که می‌توانستم بعضی شعرها، از جمله پنج غزل، را اصلاً نیآورم که چون عرض کردم؛ بنابراین داشتم که هرچه را از آن بکنامردم بر صحنی شعر و هنر می‌توانم خواند، بیاورم؛ موافقت و تحسین فرمودند و شعر کوتاه‌هایی از نیما را با عنوان «عقوبت» که در آن کتاب نیامده بود، مرحمت فرمودند که به این چاپ افزوده شد. با وجود این در امتثال امر آن شاعر می‌فانند در این چاپ آن پنج غزل و بعضی قطعات دیگر را به بخش پایانی کتاب منتقل کردم.

ماهی دلگرمی دیگر نامه‌ی محبت‌آمیز دکتر حسن هنرمندی از پاریس بود که راهنمایی‌هایی هم دربر داشت، از جمله اشاره به یک نامه‌ی منظوم در گوشه‌ای چاپ شده که آن را هم در این چاپ آوردم.

آقای هوشنگ گلشیری هم مقاله‌ای در مجله‌ی «مقصد» درباره‌ی این کتاب نوشتند که برای رفع یارهای از اشکالات احتمالی وزنی می‌باید به آقای مهدی اخوان ثالث مراجعه می‌کرده باشم. در پاسخ به این اشکال ایشان باید با اکراره ذکر کنم که در طول آن بیست و چهار سالی که بر سر این کار گذاشتم همواره وصیت‌نامه‌ی آن بزرگوار بود که در این کتاب هم آمده است پیش رو داشته‌ام و به آن عمل کرده‌ام و ترجیح داده‌ام واژه یا واژه‌هایی را نیام و یا درست نخوانم اما مطابق با دستور صریح آن وصیت پر معنا عمل کنم.



اما چاپ «مجموعه‌ی کامل اشعار فارسی نیما یوشیج»، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول ۱۳۷۰، گرچه به نسبت مجموعه‌های دیگر امتیازات فراوان دارد، از جمله شامل بودن به تمامی اشعار نیما، اما به‌رغم کوشش مدیر آگاه و دلسوز آن، خالی از غلط‌های جایی نیست که البته گناه آن به گردن راقم این سطور است. غلط‌های مهم آن در چاپ حاضر اصلاح شده است.

با این توضیح، سخن را به پایان می‌برم که در دستنوشته‌های نیما پارهای از واژه‌ها به دلیل پارگی یا فرسودگی کاغذ، قابل خواندن نبود که با نشانه‌ی... مشخص شده است و همچنین در پارهای از شعرها، سطر یا سطوری دچار این آسیب بود که با علامت..... مشخص شده است.

نسخه‌ی نهایی و پاکتویس شده‌ی شعر بلند «قلعه‌ی خرم» در سال ۱۳۳۸ مفقود شده است و این شعر از روی دستنوشته‌ی ماقبل نهایی نسخه‌برداری شده است. و دیگر این‌که شعرهای این کتاب، به جز رباعیات و پارهای از قطعات آخر کتاب، به ترتیب تاریخ سروده شدن آنها آمده است.

تهربور ماه ۱۳۷۵

سیروس طاهباز

در این کتاب می خوانید

۱۱۹.....	خانواده‌ی سرپاز.....	۹.....	یادداشت زنده یاد دکتر محمد معین.....
۱۲۴.....	از ترکشی روزگار.....	۱۰.....	یادداشت زنده یاد جلال آل احمد.....
۱۵۰.....	به یاد وطن.....	۱۲.....	یادداشت گردآورنده.....
۱۵۳.....	بشارت.....	۱۹.....	مشوی رنگی بریده.....
۱۵۵.....	تسلیم شده.....	۲۲.....	ای شب.....
۱۵۷.....	شمع نگر می.....	۲۶.....	مشت دوستان.....
۱۶۰.....	فر.....	۲۷.....	افسانه.....
۱۶۳.....	قلب تپان.....	۲۹.....	دیرین‌ها و نکته‌ها.....
۱۶۵.....	گرگ.....	۷۹.....	شیر.....
۱۶۷.....	آواز نفس.....	۸۶.....	چشمه‌ی کوچک.....
۱۶۸.....	چشمه‌ی مقبول.....	۸۹.....	یادگار.....
۱۷۰.....	نغمه.....	۹۲.....	آنگاسی.....
۱۷۳.....	پسر.....	۹۳.....	بُر ملاحسن.....
۱۷۵.....	شهید گمنام.....	۹۵.....	گل نازدار.....
۱۸۰.....	سرپاز فولادین.....	۹۷.....	مفسده‌ی گل.....
۲۰۲.....	آنگاسی.....	۹۹.....	گل زودرس.....
۲۰۴.....	به رشام ارزنگی.....	۱۰۰.....	محبس.....
۲۰۵.....	خواجه احمدحسن میخدی.....	۱۱۳.....	خارکن.....
۲۰۶.....	عبدالله طاهر و کتیزک.....	۱۱۶.....	روپاه و خروس.....
۲۰۸.....	خروس ساده.....	۱۱۸.....	چشمه‌ی نو.....

۲۵۱	قلعه‌ی سفید	۲۰۹	گرم لبرشم
۲۲۵	قنوس	۲۱۱	اسب دولتی
۲۲۸	غراب	۲۱۲	گنجینه
۲۳۱	مرغ غم	۲۱۳	عقاب نیل
۲۳۲	می‌خندد	۲۱۶	عمورجیب
۲۳۳	دانیال	۲۱۸	خریت
۲۳۴	مرغ مجسمه	۲۱۹	صدای چنگ
۲۳۶	وای بر من	۲۲۰	انگاسی
۲۳۸	پدرم	۲۲۱	انگاسی
۲۵۲	گل مهتاب	۲۲۲	کیکی
۲۵۶	لاشخورها	۲۲۳	خروس و یوقلمون
۲۵۸	ای عاشق فسرده	۲۲۴	عزیزت
۲۶۰	زیای	۲۲۵	هار
۲۶۱	خانه‌ی «سوروش»	۲۲۷	سال نو
۲۰۵	پریان	۲۲۹	پرندگی منزوی
۲۱۳	اندوهناک شب	۲۳۰	آتش جهنم
۲۱۸	خبر	۲۳۱	میرداماد
۲۱۹	مسئله‌ی آتش	۲۳۲	در جوار سخت سر
۲۲۱	تکلیف بر	۲۳۵	دیهقان
۲۲۳	خنده‌ی سرد	۲۳۷	خوشی من
۲۲۵	امید بلید	۲۳۸	هینت در پشت پرده
۲۳۰	گم‌شدگان	۲۳۹	خاطره‌ی «آمزشاتره»
۲۳۲	پانزده سال گذشت	۲۴۱	خاطره‌ی مهم
۲۳۵	وقت است	۲۴۳	گنبد
۲۳۶	خواب زمستانی	۲۴۴	نعره‌ی گاو
۲۳۹	من لیخند	۲۴۶	فضای بیچون
۲۴۲	لکه‌دار صبح	۲۴۸	صبح
۲۴۴	چغدی پر	۲۵۰	دود

۶۲۳.....	از عمارت پدرم	۲۲۵.....	آی آمدها
۶۲۵.....	خروس می خواند	۲۲۷.....	یاد
۶۲۸.....	او را صدا بزن	۲۲۹.....	بوجهل من
۶۳۱.....	پادشاه فتح	۲۵۰.....	نه، او نمرده است
۶۳۰.....	از دور	۲۵۳.....	خرمن ها
۶۳۲.....	گندنا	۲۵۵.....	سایه ی خود
۶۳۳.....	روی چدارهای شکسته	۲۵۷.....	تا بناک من
۶۳۷.....	در فروبند	۲۵۸.....	نیما
۶۵۰.....	نام بعضی نفرات	۲۶۰.....	بازگردان تن سرگشته
۶۵۱.....	عود	۲۶۲.....	منظومه به شهریاره
۶۵۳.....	آقا توکا	۲۸۳.....	با خرویش
۶۵۷.....	جوی می گیرد	۲۸۵.....	مادری و پسری
۶۵۸.....	می خندد	۲۹۲.....	ناروایی به راه
۶۵۹.....	آن که می گیرد	۲۹۸.....	مردگان موت
۶۶۲.....	آبجد	۵۰۱.....	کینه ی شب
۶۶۳.....	مهتاب	۵۰۲.....	ناقوس
۶۶۵.....	در شب سرد	۵۲۰.....	مانلی
۶۶۶.....	آبچه روزمانش	۵۷۱.....	بی دارو جوانان
۶۷۲.....	خاک گوهان	۵۹۳.....	بخوان ای همسفر یا من
۶۷۶.....	تلخ	۵۹۷.....	گنج است خراب راه
۶۷۷.....	اجایی سرد	۵۹۹.....	داستانی نه تازه
۶۷۹.....	هنگام که گریه می دهد ساز	۶۰۱.....	شب دوش
۶۸۱.....	مرگ کاکلی	۶۰۳.....	روز بیست و نهم
۶۸۳.....	با قطار شب و روز	۶۰۷.....	حباب
۶۸۵.....	ماخ اولاد	۶۰۹.....	شب فوزی
۶۸۷.....	بر فراز دشت	۶۱۵.....	کار شبها
۶۸۹.....	سوی شهر خاموش	۶۱۹.....	وقت تمام
۷۰۰.....	جاده خاموش است	۶۲۱.....	که می خندد آ که گریان است

۷۶۱	خاننعام ابری است.....	۷۰۲	بر فراز دودهای.....
۷۶۲	هری راه.....	۷۰۴	باد می‌گرده.....
۷۶۵	همه شب.....	۷۰۶	نطفه‌بند دوران.....
۷۶۷	در کنار رودخانه.....	۷۰۸	هاد.....
۷۶۹	دل فولادم.....	۷۱۲	در ره تهفت و فراز ده.....
۷۷۲	روی بندرگاه.....	۷۱۳	نامعای به یک زندانی.....
۷۷۴	شبی‌رہی ساحل نزدیک.....	۷۱۸	در بستمام.....
۷۷۶	هست شب.....	۷۲۱	چراغ.....
۷۷۷	فرق است.....	۷۲۴	در شب سرد زمستانی.....
۷۷۸	برف.....	۷۲۶	تا صبح دمان.....
۷۷۹	سویلشه.....	۷۲۸	هنوز از شب.....
۷۸۱	در پیش کوممام.....	۷۲۹	مرغ شایریز.....
۷۸۲	تک کی.....	۷۳۰	شب است.....
۷۸۴	بر سر فاقش.....	۷۳۱	مرغ آمین.....
۷۸۵	پاسها از شب گذشته است.....	۷۵۰	حکایت.....
۷۸۶	ترا من چسب در راهم.....	۷۵۲	قاین.....
۷۸۷	شب همه شب.....	۷۵۲	آهنگر.....
۷۸۹	و باغچه.....	۷۵۶	در نخستین ساعت شب.....
۸۰۷	قطعه تصیده، غزل.....	۷۵۸	خون‌ریزی.....
		۷۶۰	داروگ.....